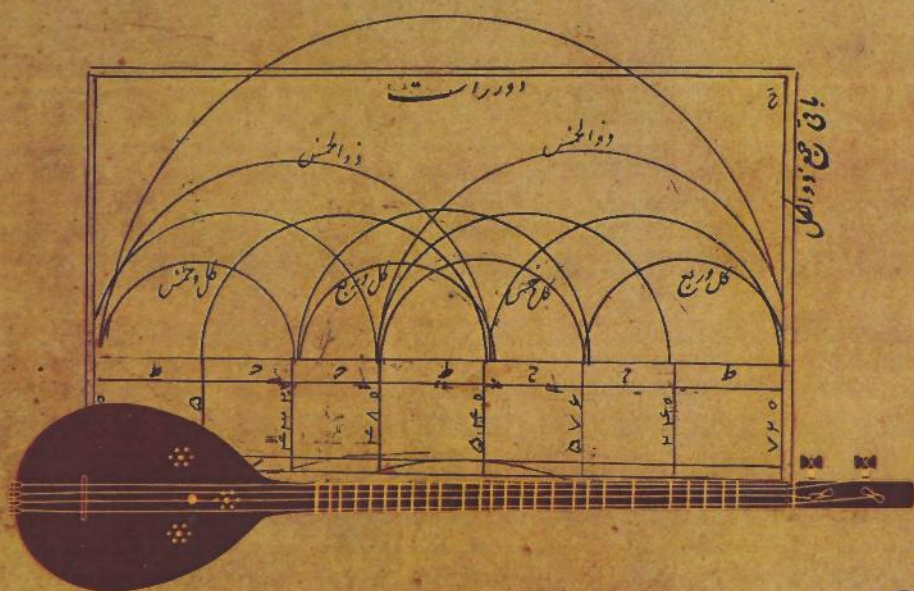


نظام فواصل موسیقی دستگاهی ایران

دیدگاه معاصرین، ابعاد ملایم دستگاه‌ها



سیاوش سحابی

سرشناسه	: سخابی، سیاوش، ۱۳۶۱-
عنوان و نام پدیدآور	: نظام فواصل موسیقی دستگاهی ایران: دیدگاه معاصرین، ابعاد ملایم دستگاهها/ سیاوش سخابی.
مشخصات نشر	: تهران: سیاوش سخابی، ۱۴۰۴.
مشخصات ظاهری	: [۲۶۳] ص.: مصور، جدول.
شابک	: 978-622-00-2843-7
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: Siavash Sahabi. TUNING THEORY of PERSIAN DASTGAHI. ص.ع. به انگلیسی. MUSIC : The View of Contemporaries, Consonant Intervals of Dastgahs
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۲۵۴] - ۲۵۹.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: موسیقی ایرانی -- دستگاهها Music, Iranian -- Dastgah* موسیقی ایرانی -- دستگاهها -- ردیف Music, Iranian -- Dastgah -- Radif* موسیقی ایرانی -- گامها Music, Iranian -- Scales* موسیقی -- ایران -- نظریه Music theory -- Iran موسیقی -- نظریه Music theory
رده بندی کنگره	: ML۲۳۴:
رده بندی دیویی	: ۷۸۹/۱۶۳:
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۰۳۳۸۶۴۳:
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیبا

نظام فواصل موسیقی دستگاهی ایران؛ دیدگاه معاصرین، ابعاد ملایم دستگاهها

نویسنده: سیاوش سخابی

نام ناشر: ناشر مؤلف

پست الکترونیک: siavash.sahabi@gmail.com طراح جلد: علیرضا مهدیزاده

نوبت چاپ: اول ۱۴۰۴

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت:

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۰-۲۸۴۳-۷



دریافت اپلیکیشن «دستان تیونر»



اطلاع رسانی ها درباره کتاب

«کلیه حقوق چاپ و نشر برای مؤلف محفوظ است.»

فهرست عناوین

دیاچه ۷

فصل اول: مقدمه ۱۰

- دیدگاه کلی در باب تحلیل «دستگاه»، و نقدهایی در این زمینه ۱۰
- پرسش‌های رایج و دلائل قابل طرح در خصوص روش‌های تعیین فواصل دستگاه‌ها ۱۲
- پیشینه‌ی پژوهش ۲۴

فصل دوم: مفاهیم پایه در زمینه زیروبمی اصوات، فواصل و محاسبات آنها ۲۹

فصل سوم: گذری بر شکل‌گیری فواصل در موسیقی کلاسیک غربی ۳۳

- الگوی سازنده‌ی گام شماره یک: اجناس یونان باستان ۴۱
- الگوی سازنده‌ی گام شماره دو: تکرار فواصل ۴۳
- اعداد اول و محدوده‌ها ۴۶
- الگوی سازنده‌ی گام شماره سه: میانگین‌های حسابی و هارمونیک ۴۶
- استخراج گام مینور ۴۹
- تعدیل مین‌تن و تقسیمات نه‌گمایی پرده‌ها؛ تاریخچه و محاسبات ۵۱

۴ نظام فواصل موسیقی دستگاهی ایران ...

- تعدیل به روش ول تمپرمنت ۵۴
- تعدیل دوازده نیم پرده‌ی برابر ۵۵

فصل چهارم: بررسی دیدگاه موسیقیدانان و محققین معاصر پیرامون فواصل

دستگاه‌ها ۵۹

- مقدمه ۵۹
- میرزا عبدالله فراهانی ۶۰
- آقا حسینقلی فراهانی ۶۵
- غلامرضا سالارمعزز ۷۰
- علینقی وزیری ۷۳
- مهدیقلی هدایت ۷۶
- روح‌الله خالقی ۹۰
- مهدی برکشلی ۹۲
- ساسان سپنتا ۱۰۶
- ژان دورینگ ۱۰۹
- هرمز فرهت ۱۱۱
- داریوش طلائی ۱۱۴
- محمدتقی بینش ۱۱۸
- خسرو مولانا ۱۱۹
- سیاوش بیضایی ۱۲۲
- محمدرضا درویشی ۱۲۷
- داریوش صفوت ۱۲۹
- محمدرضا لطفی ۱۳۶
- سلمان سالک ۱۳۷

فهرست عناوین ۵

- مجید کیانی/علی علیزاده ۱۳۹
- فرزاد حسین آبادی ۱۴۸
- حسین قنبری احمدآباد ۱۶۰
- کیومرث پورحیدری ۱۶۴
- آیدین صمیمی مفخم ۱۶۸
- سیاوش سحابی ۱۷۱
- خلاصه‌ی دیدگاه‌ها، روش‌ها و نتایج پژوهش‌های انجام‌شده توسط معاصرین ۱۷۱

فصل پنجم: محاسبه فواصل ملایم دستگاه‌ها براساس تحلیل ساختاری آنها ... ۱۷۶

- شباهت‌ها و تفاوت‌های گام فیثاغوری و گام هفده‌پرده‌ای ۱۸۴
- معیارهای اصلی در تعیین فواصل ملایم دستگاه‌ها ۱۸۸
- محاسبه ابعاد ملایم دستگاه شور ۱۹۰
- محاسبه ابعاد ملایم دستگاه چهارگاه ۱۹۳
- محاسبه ابعاد ملایم دستگاه همایون ۱۹۷
- محاسبه ابعاد ملایم دستگاه نوا ۱۹۹
- محاسبه ابعاد ملایم دستگاه سه‌گاه ۲۰۱
- محاسبه ابعاد ملایم دستگاه ماهور ۲۰۳
- محاسبه ابعاد ملایم دستگاه راست‌پنجگاه ۲۰۶
- بررسی تطبیقی نام دستگاه‌های ردیف در مقایسه با مقامات مشابه در موسیقی قدیم ایران ۲۰۸

فصل ششم: فواصل «آواز بیات اصفهان» ۲۲۰

فصل هفتم: دستاوردها و پیشنهادات ۲۴۳

منابع ۲۵۴

فصل اول:

مقدمه

دیدگاه کلی در باب تحلیل «دستگاه»، و نقدهایی در این زمینه

در این کتاب و کتاب هفت دستگاه، تحلیل ساختاری و محاسبه فواصل براساس ردیف میرزا عبدالله، از موسیقی مورد بحث در آنها که در قالب ردیف گردآوری و ارائه شده است با عنوان «موسیقی دستگاهی» یاد شده و نه «موسیقی مُدال»، و براین اساس نوع تحلیل انجام شده بر آن نیز به سبب مبنای قرار دادن کلیت ساختاری هر دستگاه، «تحلیل ساختاری» خوانده شده و نه «تحلیل مُدال»^۱. از این رو در این جا مناسب است که به چند استدلال برای این نام گذاری اشاره شود. نخست آن که در نام گذاری هر پدیده‌ای، کلیت و اساس آن موضوع مهم است و نه اجزاء

^۱ به طور نمونه از منابعی که اساس موسیقی دستگاهی ایران را «مُدال» معرفی نمودند می توان به مقاله‌ای از هومان اسعدی با عنوان «بنیادهای نظری موسیقی کلاسیک ایران: دستگاه به عنوان مجموعه‌ای چندمُدی» اشاره نمود. نویسنده در قسمت نتیجه گیری این مقاله می نویسد: «چنان که دیدیم ساختار هر دستگاه/آواز در موسیقی کلاسیک ایران براساس زیربنایی مُدال بنا شده است، این زیربنای مُدال در اکثر روایت های ردیف، تقریباً در تمامی موارد، ثابت و همسان است.» (اسعدی، ۱۳۸۲، ۵۲). یا در جایی دیگر داریوش طلایی موسیقی ایرانی را این گونه معرفی می نماید: «موسیقی ایرانی به خانواده‌ای از موسیقی‌ها تعلق دارد که در موسیقی شناسی بین المللی، موسیقی های مُدال (مبتنی بر مُد) نامیده می شوند.» (طلایی، ۱۳۹۹، ۱۱). مطمئناً نظر این موسیقیدانان دور از واقعیت نیست ولی آنچه در این بحث مورد توجه می باشد، تلاش برای رسیدن به درکی عمیق تر از موجودیت موسیقایی ردیف است تا با تفسیری علمی از آن، بتوان به کارکردهای پیش برنده‌ی درون ساختاری بخش های همبسته‌ی آن یعنی «دستگاه» ها پی برده و نتایجی کارا و نه صرفاً توصیفی، حصول نمود.

فصل اول: مقدمه ۱۱

و فرعیات آن. مثلاً در صحبت از ورزشی با نام «فوتبال» از آنجایی که عمده‌ی حرکات انجام‌شده برای انتقال توپ در زمین بازی توسط پا انجام می‌شود، و با آن‌که از دست‌ها هم برای برخی از حرکات مانند پرتاب کردن اوت یا گرفتن توپ توسط دروازه‌بان استفاده می‌گردد، بر روی هم‌رفته به این ورزش «فوتبال» (Foot به معنی پا و ball به معنی توپ) گفته شده است. دوم آن‌که آموزش و معرفی این نوع موسیقی غالباً براساس روند و منطق دستگاهی انجام می‌گیرد و نه گزینش یک گوشه یا مودی خاص از یک دستگاه و بعد مَد یا گوشه‌ای دیگر از دستگاهی دیگر. این مسئله چه در روند آموزش یک هنرآموز و چه در معرفی این نوع از موسیقی به یک فرد علاقمند ولی غریبه با آن غالباً از سوی اهالی این موسیقی لحاظ می‌شود. سوم آن‌که در صورت استفاده از تحلیل مُدال، تناقضاتی بعضاً در بازشناسی یک گوشه مثلاً متعلق به یک دستگاه در یک روایت خاص با همان گوشه ولی در روایتی دیگر، مشاهده می‌گردد و با چنین روش تحلیلی‌ای یعنی تحلیل مُدال، تناقضاتی از این دست قابل توجیه نخواهد بود. به عنوان نمونه، اختلاف بستر صوتی گوشه‌ی حصار در دستگاه سه‌گاه از ردیف منظم‌الحکما با همین گوشه از همان دستگاه در ردیف آقا حسینقلی، و یا در نمونه‌ای دیگر تفاوت محل اجرای حصار چهارگاه نسبت به درآمد در ردیف ستور ابوالحسن صبا در مقایسه با موقعیت همین گوشه نسبت به درآمد آن در ردیف میرزا عبدالله، قابل ذکر هستند. چهارم آن‌که دیده می‌شود نارسایی‌هایی در بهره‌گیری از تحلیل مُدال در شناخت این موسیقی در حوزه‌های مختلف، خود را نمایان می‌سازد. مثلاً در تحلیل مُدال، روابط درون‌ساختاری یک دستگاه در سطوحی فراتر از یک گوشه یا یک فضای مُدال قابل ردیابی نیستند، به بیان دیگر در حوزه تحلیل مُدال در باب «شیوه‌های کارکرد» و «انواع عناصر ارتباطی» موجود در یک دستگاه به عنوان موضوع بحث نگریسته نمی‌شود تا به تبع آن نیز تعریف یا کشفی از این دست‌از موجودیت‌ها در سطوح و لایه‌های مختلف آن دستگاه انجام گیرد. یا مثلاً ارائه‌ی استدلال پیرامون بروز «نت‌های متغیر» یا «چیدمان خاصی از گوشه‌ها» در یک دستگاه مورد مطالعه، در این روش تحلیل موضوعیتی پیدا نکرده و لذا عامل یا عواملی تأثیرگذار نیز در این زمینه قابل ردیابی نیستند. در روش تحلیل مُدال، محاسبه‌ی «فواصل ملایم» دستگاه‌ها با بهره‌گیری از روابط گوشه‌ها و کارکرد نغمات مختلف در آنها، و همچنین مسائل آکوستیکی و یا سازی، آن‌چنان که تا کنون دیده شده مطرح نگشته است. همچنین در بازشناسی «کارکرد» گوشه‌های مختلف یک فضای مُدال و یا «تفکیک فضا‌های اصلی مُدال» در یک دستگاه، تحلیل مُدال دچار

۱۲ نظام فواصل موسیقی دستگاهی ایران ...

ابهامات و موانعی بوده و بدین‌روی مثلاً گوشه‌های «موصّل» و کارکرد آنها نیز در حوزه‌ی روابط میان فضاها، مدال و یا مسئله تفکیک فضاها، مدال یک دستگاه، مورد توجه قرار نمی‌گیرد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که این موسیقی را با دیدگاهی صرفاً گوشه‌محور و با تأکید بر کشف وجوه تمایز میان آنها نمی‌توان مورد تحلیلی فراگیر آن‌هم بر سرتاسر اجزای دستگاه‌های‌اش قرار داد، بلکه باید آن را با دیدگاهی «کل‌نگر» و «پیوستارگرا» مورد بررسی قرار داد و از این رو در این کتاب عنوان «تحلیل ساختاری» برای این روش تحلیل برگزیده گردید. پیرو مطالب گفته‌شده این نکته را نیز باید گفت که نباید این گونه نیز برداشت شود که منظور آن‌ست که اساساً موجودیتی به‌نام «مد» در دستگاه‌ها وجود نداشته و به تبع آن نیز «تحلیل مدال» بی‌معناست، بلکه باید توجه نمود که در سیستم موسیقی «دستگاهی»، مُد‌ها به مرور زمان در قالب دستگاه‌ها بازآرایی شده و با توجه به لزوم اعمال تمهیداتی در آنها برای ایجاد همبستگی هر یک، با فضای اصلی دستگاه و هم‌زمان با فضاها، پس و پیش خود در سلسله مراتب گوشه‌ها، دچار تغییراتی شده‌اند و از این‌رو انجام تحلیلی متمرکز بر یکی از اجزاء دستگاه با عنوان گوشه یا فضای مدال، بدون توجه به ساختار کلی دستگاه حاوی آن و به‌طور منفک، می‌تواند برای تحلیل گر به‌علت بیش‌ساده‌سازی یا حذف برخی از روابط درون‌ساختاری همراه با سردرگمی‌ها و نارسایی‌هایی در تفسیر آن جزء باشد.

پرسش‌های رایج و دلایل قابل طرح در خصوص روش‌های تعیین فواصل دستگاه‌ها

با توجه به مواجهه‌ی نویسنده‌ی این کتاب با پرسش‌های مختلف از سوی مخاطبین کتاب پیشین خود در زمینه ارائه‌ی فواصل ملایم برای دستگاه‌ها که در فصول مربوطه به‌طور مجزا محاسبه و ارائه شده بودند، مناسب دیده شد که به پرسش‌هایی از این دست در این زمینه و به‌طور کلی در زمینه تعیین فواصل موسیقی ایرانی پاسخ داده شود. بدین ترتیب خواننده‌ی کتاب احتمالاً با روشن‌شدن ابهامات مطرح‌شده در این زمینه و آشنایی بیشتر با چالش‌های موجود، با دیدی بازتر به پیگیری و مطالعه‌ی مطالب بعدی کتاب خواهد پرداخت.

- ۱- ضرورت تلاش برای تعیین مقادیر کمی فواصل و گسترش عمومی آن در حوزه‌ی موسیقی دستگاهی چیست؟ و آیا وجود افتراق میان ابعاد مورد استفاده توسط اساتید گذشته، می‌تواند تعیین ابعاد دقیق دستگاه‌ها را امری فاقد موضوعیت سازد؟

فصل اول: مقدمه ۱۳

- ۲- چه روش‌هایی برای تعیین فواصل موسیقی دستگاهی ایران از صد سال گذشته تا کنون از سوی موسیقیدانان و محققین مورد استفاده قرار گرفته است؟
- ۳- در روش «اندازه‌گیری» جهت تعیین کمیت فواصل چه چالش‌هایی قابل ذکر هستند؟
- ۴- چرا روش «محاسباتی» نسبت به روش‌های دیگر مانند «اندازه‌گیری»، روشی مناسب‌تر در تعیین مقدار فواصل دستگاه‌ها است؟
- ۵- معیارها یا عوامل اثرگذار در محاسبات ابعادی دستگاه‌ها چه چیزهایی هستند؟
- ۶- آیا عدم تشخیص شنیداری نوع فواصل یک گام، منظور فواصل ملایم، تعدیل‌شده یا ناشی از هر سیستم دیگری، توسط مثلاً یک نوازنده، پرداختن به موضوع تعیین مقادیر دقیق فواصل را بلاموضوع می‌نماید؟
- ۷- دلیل روی آوردن به مبحث «ملایمت» از منابع موسیقی کهن ایران‌زمین جهت تعیین فواصل موسیقی رایج زمان حاضر یعنی موسیقی دستگاهی چیست؟
- ۸- چرا برای تعریف فواصل ملایم در رسالات موسیقی قدیم از کسور مثل و جزء^۱ با نسبت $\frac{n+1}{n}$ استفاده می‌شده و چرا هم‌اکنون برای انتخاب اعداد مربوط به صورت و مخرج این کسرها، عمدتاً از اعداد متناظر با شانزده هارمونیک اول از سری هارمونیک‌های اصوات مرکب، بهره گرفته می‌شود؟ همچنین ملحوظات استفاده از سری هارمونیک‌های اصوات چیست؟
- ۹- آیا فواصل به‌دست‌آمده از روابط موجود در مبحث ملایمت دارای قطعیت بوده و از این‌رو نیز نمی‌توان به هر دلیلی، از جمله تعدیل‌سازی، در آنها تغییری ایجاد کرد؟
- ۱۰- آیا محاسبه ابعاد ملایم برای دستگاه‌ها توسط «تحلیل‌های مُدال» پیرامون گوشه‌های آنها امکان‌پذیر است، و یا آن‌چنان که از این طریق تا کنون رخ‌نداده است این مسئله را باید به حساب نارسایی‌های این روش جهت تحلیل موسیقی دستگاهی قلمداد کرد؟

پاسخ سوال ۱:

- پیوند موسیقی با علم فیزیک و ریاضیات از زمان‌های بسیار دور، در میان دانشمندان و موسیقیدانان چه ایرانی و چه حوزه‌های فرهنگی دیگر مناطق مطرح بوده است. لذا با

^۱ superparticular

TUNING THEORY of PERSIAN DASTGAHI MUSIC

The View of Contemporaries, Consonant
Intervals of Dastgahs

Siavash Sahabi

نظام فواصل موسیقی دستگاهی ایران دیدگاه معاصرین، ابعاد ملایم دستگاه‌ها

ساختار فواصل هر فرهنگ موسیقایی از مهم‌ترین موضوعات نظری و عملی آن حوزه می‌باشد. بی‌توجهی به چنین عنصری، می‌تواند موانع درک پیچیدگی‌های ساختاری و تاریخی موسیقی مورد نظر را در پی داشته و یا آن را تشدید نماید. در این راستا لازم دیده شد به بررسی آثار موسیقیدانان و نظریه‌پردازان معاصر در زمینه فواصل موسیقی دستگاهی پرداخته شود. براساس مطالعه‌ی انجام‌شده، مشاهده گردید رویکرد این افراد در سه دسته قابل تقسیم می‌باشد. برخی از افراد صرفاً نظر خود یا نظر رایج زمانه‌ی خود را پیرامون فواصل ابراز داشته و برخی دیگر به اندازه‌گیری فواصل به‌روش‌های مختلف روی آورده‌اند، و نهایتاً در دسته‌ی سوم نیز افرادی بودند که با استفاده از قواعد و یا چهارچوب‌هایی علمی/تاریخی به محاسبه فواصل و تعیین آنها مبادرت نموده‌اند. در پی نقد دو روش نخست، نگارنده در پیروی از روش سوم، با اتکا به یک شیوه‌ی تحلیلی برپایه‌ی یکی از مهم‌ترین مفاهیم موجود در موسیقی کهن ایران به‌نام مبحث «ملایمت»، و بهره‌گیری از قواعد عددی آن، در کنار قواعد علم نوین آکوستیک، ساختار ساز سه‌تار و محاسبات مورد نیاز اقدام به تعیین فواصل هر دستگاه به‌تفکیک نمود. همچنین، در حاشیه‌ی موضوع اصلی کتاب، نکات جانبی مهمی در زمینه‌ی فواصل، از جمله پیشینه‌یابی ابعادی دستگاه‌ها و نیز آواز اصفهان، و مسائلی در زمینه‌ی نام‌گذاری آنها، ارتباطات میان‌فرهنگی با موسیقی یونان باستان و غیره حاصل شد.

شایان ذکرست، در رویکردی علمی و پیشینه‌محور به مسائلی چنین باید پنجره‌ی نقد را همیشه به‌روی خود باز دانست و یا مطابق با شرایط فنی و اجرایی موسیقی مورد بحث، از تغییراتی منطقی استقبال نمود.

ISBN : 978-622-00-2843-7



9 786220 028437